

روزنامه امید برای

گرسنگان جهان



دکتر علی اکبر فرهنگی

مسئله تغذیه بشر همواره عمده‌ترین و حیاتی‌ترین مسئله مورد توجه اقوام و ملل بوده و آنان را برای یافتن مزرعه، بارورتر، و شکارگاه پرشکارتر از سوئی بسوی دیگر کوچانده است. با تکثیر جمعیت درمنطقه‌ای کم‌کم زمینهای موجود از عهده تامین مواد غذایی لازم برای انسانها برنیامده، آنان را وادار به کوچ از نقطه‌ای به نقطه‌ای دیگر میکرده‌اند، تا ظهور اثرات انقلاب صنعتی و توسعه علوم و فنون و بهبود وضع بهداشت و بالا رفتن میزان نسبی سن و کاهش مرگ و میر در اثر بیماریهای همه‌گیر، جمعیت جهان با رشدی متناسب با منابع موجود افزایش می‌یافت و زمینهای زیر کشت، کم و بیش، مواد غذایی مورد نیاز را تامین می‌کرد. از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم جمعیت جهان رشدی سریع یافت. هر سه سال یا حدود هر نسل جمعیت جهان دوبرابر گردید و با این روند شک

نیست که جمعیت جهان بزودی از مرزده میلیارد نفر بگذرد. البته شک نیست که در صورت ثبات وضع اقتصادی اجتماعی موجود و در نظر نگرفتن توسعه تکنولوژی و دگرگونی نظامهای اجتماعی، آنچه را که "مالتوس" پیش‌بینی میکرد، روزی تحقق یابد. جا دارد هم اکنون بر روی این "قضیه شرطیه" تاکید نموده و بگوئیم که اگر چنین چیزی اتفاق افتد چنان مساله‌ای بروز خواهد کرد. در عمل مساله کاملاً در بیشتر موارد متفاوت است، چون جامعه هرگز ساکن نبوده و انسانها هرگز تن به قضا رها نکرده و به چاره‌جویی خواهند پرداخت. صحبت از مسافرت بکرات دیگر و استفاده از امکانات آنها یا بررسی منابع دریایی و تحت‌الارضی و غیره نوید بخش امکانات زیادی می‌باشند بعید نیست در آینده انقلابی در نظام تولید مواد غذایی و تغذیه انسان به وجود آید و بشر مواد غذایی مورد

نسبت ۲ در همان مدت است با این نگرش پس از مدتی کوتاه شکافی عمیق میان جمعیت و مواد غذایی مورد نیاز آن بروز خواهد کرد او چاره را در امحاء تعدادی از افراد و جلوگیری از باروری بیش از اندازه زنان دانسته است.

(۱) مالتوس بر این عقیده بود که جمعیت جهان بصورت تصاعد هندسی با قدر نسبت دورو با افزایش بوده و هر سی سال این جمعیت دوبرابر میشود و استفاده از مواد غذایی و تولید آن بصورت تصاعد حسابی با قدر

نیاز خود را از دریاها و قعر زمین و با بصورت قرصها و کیسولهای بسیار کوچک و بمرحمتی تأمین نمایند .

نگرش بدبینانه " مالتوس " ، سرعت در مغرب زمین گسترش یافت و آنان هر چند خود دارندگان تکنولوژی برتر بودند ایمانی به آن در راه حل معضل خویش نیافتند و گفته " مالتوس " را پذیرا تر شدند و تحدید جمعیت را سرلوحه برنامه های توسعه خود فرار دادند . بطوریکه امروزه نرخ رشد جمعیت کشورهای صنعتی پیشرفته که از امکانات تولید و تکنولوژی بیشتری برخوردارند ، بمراتب از کشورهای عقب مانده یا در حال توسعه کمتر است .

در مقابل نظریه " بدبینانه " مالتوس " نظرات خوشبینانه علمی و مذهبی زیادی قرار دارد . نظرات علمی ، همانطور که مطرح کردیم ، سعی بر این دارند که توسعه نگوی لوزی مرکز ثقل بحثهای خود قرار داده و از طریق آن به حل معضل بپردازند . اینان هستند که با بهبود طریقه کشت ، افزایش کارآئی کشاورزی ، استفاده از کودهای شیمیائی و غیره می توان غذای بیشتری تولید یا در توزیع و نحوه مصرف دگرگونی چشمگیری ایجاد نمود .

در اسلام به این مساله خوشبینانه نگاه شده است . در قرآن مجید آمده است : " و اتاکم من کل ما سئلتهموه " ، یعنی هر چه را که مورد نیاز شما بود بشما ارزانی داشتیم . بدین طریق ، انسان با پا نهادن بر زمین روزی خویش را می یابد . از این آیه مبارکه نباید سوء استفاده نمود و تصور کرد پس خداوند خود وسیله ساز است و نان رسان

شک نیست اسلام بدون حرکت و تلاش و استفاده از امکانات چیزی را توصیه نمی نماید . در قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) وائمه اظهار همه جا صحبت از حرکت و تلاش انسانی است اسلام اگر به افزایش جمعیت و مساله مواد غذایی با خوشبینی نگاه می کند ، بدین خاطر است که انسان را موجودی متحرک و فعال می داند که صاحب عقل و ادراک بوده و از طریق این وسیله منحصر بفرد در میان موجودات به حل معضلات خویش می پردازد . دل کوهها را می شکافد ، رودهای خروشان را مهار می کند و با ساختن سدها و آبراهها به هر جهت که بخواهد آنها را می کشد در عین بی پروایی به بالاترین نقاط آسمان پرواز می کند و به عمق عمیق ترین اقیانوسها غوص می نماید . با چنین نگرشی ، انسان غذای خویش را که در طبیعت به اشکال مختلف نهفته است بدست می آورد . از بن خارها و نوک درختان و حتی زیر سنگها مواد غذایی مورد نیاز خویش را بدست آورده و بحیات خویش ادامه میدهد . این انسان هرگز از گرسنگی نخواهد مرد ، آنکه از گرسنگی می میرد انسانی است زبون که خود را به تقدیری نامعقول سپرده است . " من سعی رعی ومن لزم المنام رای الاحلام " ، آنکه تلاش کرد چیزی فراهم کرد و آنکه خفت فقط خوابی خوش دید .

شک نیست که در حال حاضر مشکلاتی برای تغذیه بشر در نقاطی از جهان پدید آمده است . گروه زیادی هر روزه در اثر سوء تغذیه می میرند و گرسنگی حاد و مزمن یکی از مشکلات اساسی بسیاری از کشورهای جهان با اصطلاح سوم است . اما باید بررسی

نمود که آیا افزایش جمعیت به تنهایی مشکل را ایجاد کرده است، یا اگر این مشکل هم نبود وضع بهتر از شرایط موجود نمی بود؟ با نگاهی سریع به وضع جهان درمی یابیم، مشکلی جدی در نظام کشاورزی بیشترکشورها وجود دارد. چرا کشورهای زیادی از جهان امروز، حتی برخی که از نظر صنعتی و نظامی نیز بسیار پیشرفته اند، از تهیه مواد غذایی مورد نیاز مردم خویش عاجزند؟ چرا خیل کثیری از مردم کشورهای باصطلاح درحال توسعه هر روز از گرسنگی می میرند درحالیکه در جاهای دیگر هر روز هزارها تن غذای آماده شده بدور ریخته می شود و میلیونها دلار صرف گردآوری بهداشتی و ریختن آنها به زباله دانها می گردد؟ آیا این درست است که زمین درحال حاضر نه تنها می تواند براحتی ۴/۵ میلیارد انسان را غذا دهد، بلکه چند برابر این جمعیت می تواند از این خوان گسترده بهره مند گردد؟ برای پاسخ دادن به سئوالات فوق توجه به مسائل زیر لازم است.

امروزه کشاورزان سراسر جهان با مشکل بزرگی مواجه اند که تاکنون در تاریخ بشر کم سابقه بوده است، و آن بطئی بودن سرعت رشد تولیدات کشاورزی آنها نسبت به سرعت رشد جمعیت است. آنها نتوانسته اند از تکنولوژی حاکم حداکثر استفاده را برده و خود را هماهنگ با تغییرات تکنولوژی و جمعیت نمایند. با توجه به بررسیهای متعدد کارشناسان "سازمان خواروبار و کشاورزی جهانی" نظام کشاورزی موجود باید درسال ۲۰۰۰ میلادی پاسخگوی ۶ میلیارد دهان

باز و شکم گرسنه باشد که متأسفانه درحال حاضر چنین توانائی در آن مشاهده نمی شود درگذشته، همانطور که عنوان شد، این سرعت رشد در مورد جمعیت بطئی تر بود و فاصله تولید تا تولید نهائی از هرکنار زمین بیشتر بود. بدین علت است که کشورهای درحال توسعه روز بروز به خیل خریداران مواد غذایی اضافه می شوند، درحالیکه درگذشته خود در شمار تولیدکنندگان و عرضه کنندگان مواد غذایی بوده اند. بانگهی سریع به آمارهای کشاورزی اغلب کشورهای درحال توسعه درمی یابیم که میزان تولید اغلب آنها نه تنها کاهش نیافته است، بلکه از افزایش نسبی محسوسی نیز برخوردار است اما هنوز جوابگوی رشد جمعیت نبوده و روز بروز فاصلهها بیشتر می گردد. دولتها برای جوابگویی به نیازهای مردم خویش به ناچار دست به وارد کردن مواد غذایی زده و روز بروز تقاضا در بازار مواد غذایی بین المللی افزایش می یابد.

"مؤسسه بین المللی تحقیقات مواد غذایی" هشدار می دهد که تا ۱۶ سال دیگر، یعنی سال ۲۰۰۰ میلادی، کشورهای فقیر زیادی قادر نخواهند بود از عهده خرید مواد غذایی مورد نیاز خود که به رقم سرسام آوری می رسد برآیند و کمکهای مواد غذایی که از فروش مواد غذایی متفاوتند و چیزی در حد اعانه می باشند دیگر حلال مشکل بزرگ آنها نخواهد بود. و نیز معدود کشورهای صادرکننده اصلی مواد غذایی هزینه تمام شده بالائی برای تولیدات خود خواهند داشت و دیگر برایشان مقرون بصرفه

نخواهد بود که آنها را دور بریزند و یا صرفاً" بصورت اعانه به کشور دیگری دهند .

پس چه امیدی برای گرسنگان جهان ماند؟

کمک‌های مواد غذایی در موارد جنگ، قحطی، بروز مشکلات طبیعی چون سیل و زلزله و خشکسالی و عموماً "در شرایط اضطراری و کوتاه مدت عملی انسانی و درست می‌باشد. اما ادامه این کمک‌ها در شرایط عادی و در دراز مدت، بدون شک عامل مؤثری در کاهش تولید مواد غذایی در سطح جهانی می‌گردد. این عمل باعث وابسته شدن بیشتر کشورهای گرسنه و از بین رفتن انگیزه‌های کار و کوشش در مردم آنها خواهد شد. بعلاوه رهبران سیاسی آنها را وادار به پرهیز از اقدامات دشوار و توأم با ریسک در راه طرح‌های کشاورزی اساسی کرده و هر بار که قدرت سیاسی خود را در خطر دیدند دست نیاز بسوی دیگران دراز کرده و طفیلی خوان نعمت دیگران خواهند شد. البته در این راه باید امتیازات فراوانی نیز به صاحبان سفره رنگین بدهند. اینها حقایق درآلودی هستند و برخی از مشکلات اصلی جهان سوم می‌باشند که نه تنها در آینده نزدیک ظهور خواهند کرد بلکه از هم‌اکنون آثار شوم خود را پدیدار کرده‌اند. هنوز دیر نشده است و می‌توان به ترمیم خرابی‌ها پرداخت. می‌توان از بروز نابسامانی‌ها و کشتارهای دسته‌جمعی جلوگیری نمود. می‌توان گرسنگان جهان را بروشی اصولی و انسانی، نه با تظاهر و بیخاطر کسب وجهه بین‌المللی و هزارویک منظور سیاسی سیر نمود. دولت‌های کشورهای در حال توسعه مسئولیت سنگینی را بعهده دارند. اگر امروز

حرکت ننمایند، فردا که جمعیت آنها چند برابر شد خیلی دیر خواهد بود. اجزای و گروه‌های سیاسی آنها موظفند که از این دیدگاه به مسائل آینده نگاه کنند. تنها تلاش برای بدست آوردن قدرت سیاسی مساله‌ای را حل نمی‌نماید. باید تیشه به ریشه دردی عمیق فرود آورند و با کمک و همیاری مشکل دهانهای باز و شکم‌های گرسنه را حل نمایند. امکانات بالقوه تهیه غذا باندازه کافی و حتی چند برابر نیاز مردم اغلب جوامع وجود دارد. تلاش و سازمان دهی برای استفاده از این امکانات ضروری است و این در شمار وظایف دولت‌هاست. آنها باید اولویت را به طرح‌های کشاورزی داده و بجای پرداختن به امور تجملی و مصرف پول و انرژی جامعه خود در راه‌هایی که جز ترفن و تجمل چیزی عایدشان نمی‌نماید، به امور کشاورزی و دامداری و تحقیقات لازم در این زمینه‌ها و توسعه جوامع روستائی بپردازند. دیگر داشتن بزرگترین فرودگاه بین‌المللی یا هتل پنج ستاره یا بهترین تیم فوتبال و امثالهم به تنهایی نمیتواند کارنامه قابل قبولی برای دولت‌ها در نظر اهل خرد باشد. داشتن بهترین روستاها یا مزارع و سطح زندگی بالای روستائیان و کشاورزان در وهله اول و کل مردم جامعه در مرحله دوم بهترین کارنامه دولت‌ها خواهد بود.

این نه تنها هشداری به کشورهای باصطلاح جهان سوم است، که مستقیماً با مساله گرسنگی مواجه‌اند، بلکه بیداری‌اش بلندی به جوامع پیشرفته نیز می‌باشد، که این روند توسعه و اختلاف شرایط، در دراز مدت به نفع آنها نخواهد بود. تاریخ و حوادث تاریخی این را باثبات رسانده‌اند

گرسنگان بیکار نخواهند نشست و با هجوم خود به انبارهای غله مرزها را درهم خواهند نوردید. درهای انبارهای مستحکم و مملو از مواد غذایی را خواهند گشود. انبارکنندگان و انبارداران را در زیر دست و پای خود له خواهند کرد. چرا بجای صرف اینهمه پول و انرژی در راه تجهیز خود و پیش‌بینی و پیش‌گیری احتمال حمله گرسنگان به راه‌هایی نمی‌اندیشید که لزومی به اسلحه و پیش‌گیری از خطرات احتمالی حمله گرسنگان نباشد؟! با ارتباطی که بر جهان امروز حاکم گردیده است، دیگر ملتی و کشوری نمی‌تواند خود را جدا از دیگران بحساب آورد و در کنج گوشه عزلت اختیار نماید. ملتی نمی‌تواند با سودگی در رفاه زندگی کند و مردم اطراف آن در گرسنگی روزگار بگذرانند این تعادل ناپایدار روزی بهم خواهد خورد. و آن روز چه روز وحشتناکی برای مسرفان خواهد بود.

هنوز می‌توان با تعاون و همیاری و نیت پاک - جدا از نیت استعماری - مشکل را حل نمود و همه مردم جهان را در کنار سفره گسترده‌ای که خداوند برایشان مقرر فرموده است نشانند. در حقیقت، با شرایط موجود و فقط با اندک دگرگونی در روشهای تولید، توزیع و مصرف می‌توان میزان مواد غذایی در دسترس مردم جهان را دو تا سه برابر نمود^۴ حتی در جوامعی مثل بنگلادش که میلیونها نفر از گرسنگی مزمن رنج برده و

هزاران نفر در حال جان دادن از گرسنگی حاد می‌باشند.

این توسعه امیدافزا و نوید بخش می‌تواند از طریق اصلاح بذر و کشت آن در مناطق مناسب‌تر، استفاده از زمینهای مناسب و عملیات حفظ و بالا بردن قدرت باروری زمین با استفاده از کودهای مناسب و منطقه‌ای و روشهای نگهداری قشر بارور زمین و نیز آبیاری مفید و موثر^۵ عمل بخود پیوندد. عرضه مواد غذایی با قیمت مناسب در بازارهای جهانی حتی با تولید فعلی، در بیشتر مناطق گرسنه جهان، گرسنگی را ریشه‌کن خواهد کرد^۵. این کار با توسعه راههای روستائی و برقراری وسائط مواصلاتی ارزان قیمت بین مناطق تولید کننده و مصرف کننده، روشهای درو و خرمن کوبی بهتر، راههای حفظ و انبار کردن موثرتر مواد غذایی عملی می‌باشد^۶ توجه به بهداشت روستائی و بالا بردن کیفیت زندگی روستائی، روستائیان را دلبسته به روستا و تشویق با مور کشاورزی و قادر به بالا بردن میزان تولید کشاورزی خواهد نمود.

گفتیم برای مبارزه با گرسنگی کافی نیست که کشورهای غنی بصورت اعانه غذایی در اختیار گرسنگان جهان بگذارند اگر می‌خواهند واقعا "گرسنگی را از صحنه روزگار محو نمایند باید به گرسنگان آموزش داده و وسائل لازم را در اختیارشان بگذارند که خود بتوانند غذای مورد نیاز خود را

(۴) به نقل از گزارش اجلاس عمومی سازمان خواربار و کشاورزی جهانی - سال ۱۹۷۹ - صفحه ۶.

(۵) همان ماخذ - صفحه ۱۲.

(۶) نشریه سازمان خواربار و کشاورزی جهانی - F.A.O "چگونه از ضایعات جلوگیری نمائیم" - فوریه ۱۹۸۴

تدارک ببینند. در ادبیات قدیم انگلیسی گفتاری است که دقیقا " این مفهوم را دربر دارد و می‌گوید: " امروز به انسان گرسنه ماهی‌ای اطعام کن، فردا دوباره گرسنه خواهد بود. اما باو بیاموز که چگونه ماهی را صید کند، او نه تنها امروز خود را سیر می‌کند بلکه همه فرداها سیر خواهد بود. " کشورهای پیشرفته جهان اگر واقعا - و بدور از ریا و هسای وهوی - می‌خواهند که گرسنگی مزمن از جهان رخت بریند و اگر حقیقتا " نگران خود و گرسنگان جهان هستند، بجای فرستادن بسته‌های اعانه که فقط یکروز گرسنگان را سیر می‌کند، بآنها بیاموزند که چگونه غذای خود را خود تهیه نمایند. توجه به این موضوع دگرگونی عظیمی در روابط بین ملتها و سیاستهای دولتها پدید خواهد آورد که یکی از آنها دادن اولویت بیشتر به طرحهای کشاورزی در برنامه‌های دولتها و دیگری تحدید بیش از اندازه بودجه نظامی و تحقیقات مربوط به تولید سلاحهای کشنده و مخرب و نیز از بین رفتن تقسیم‌بندی‌های سیاسی وایدئو- لوزیکی خواهد بود.

در سطح ملی، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این توجه عمیق به کشاورزی به دگرگونی و بهبود نظامهای مالکیت ارضی خواهد انجامید. کشاورزان به زمینهای بیشتر و بهتری دسترسی خواهند یافت. اعتبارات بیشتری برایشان در نظر گرفته خواهد شد. روشهای کشت، داشت و برداشت صحیح بآنها آموخته خواهد شد. ابزار و وسایل مدرن کشاورزی در اختیار آنها قرار

خواهد گرفت. روستاها از حالت عقب مانده قرون وسطائی خارج و پایهای تمدن بشری حرکت خواهند کرد. توسعه صحیح کشاورزی با بهره‌وری از روشهای علمی و صحیح انبارداری و بازاریابی کالاهای کشاورزی همراه خواهد بود. با بهره‌وری از روشهای جدید و امکانات در اختیار نهاده شده، از فساد و تصییع قسمت زیادی از محصولات کشاورزی جلوگیری شده و از طریق راههای مناسب بسرعت می‌توان آنها را به بازارهای مصرف سرازیر نمود.

همه اینها و توجه به اموری چون بهداشت روستائی تهیه آب سالم و فراوان برای روستاها تاسیس مدارس خوب و سهل الوصول در سطوح ابتدائی و متوسطه، حتی مدارس عالی کشاورزی در مناطق روستائی بزرگتر و دارای امکانات، تهیه وسایل سالم و ارزان گذران اوقات فراغت و غیره به کشاورزان و روستائیان انرژی بیشتر برای کار و ایمان و اعتقاد را ساختار به حرفه‌شان خواهد داد. روستائیان دیگر روستاهای خود را به امید واهی زندگی بهتر در شهرها ترک نکرده و در این دریاهای مملو از انسان سرگردان، ره‌گم کرده، سربار و وحیران نخواهند بود.

هر منطقه و کشور با اقتضای شرایط طبیعی و اقلیمی خود در فصول مختلف محصول بخصوصی را بخوبی پرورش می‌دهد دانستن این واقعیت بدین معنی است که باید در هر منطقه بهترین محصول را جستجو نمود و آنرا یافت و در آن مورد بهترین بذرها را بکار گرفت و از امکانات طبیعی و آب و هوا حداکثر استفاده را بعمل آورد.

سازمان ملل متحد برای توسعه کشاورزی و جلوگیری از گرسنگی مطرح بوده است.

(۷) GREEN REVOLUTION
برنامه‌ای که در سالهای ۱۹۶۰ از طرف

کشورهای فقیر کمتر از ۱۲ جریب و بیشتر آنها در حدود دو جریب می‌باشند. استفاده از تراکتورهای جدید و کمباین‌های مدرن با چنین مساحت‌هایی مقرون به صرفه و صلاح نیست

آنچه که این مناطق بدان نیاز دارند ماشین آلات بسیار کوچک و ابزارهای مورد نیاز مزارع کوچک است که مکمل کار انسانی گردند نه جایگزین آن از طریق استفاده از این ماشین آلات کوچک و کار کشاورزان می‌توان میزان محصول را بالا برد نه آنکه با ورود ماشین آلات غول‌پیکر کشاورزان زیادی را بیکار نمود و آنان را به خیل بیکاران افزود و راهی حلی آبادهای حاشیه شهرها نمود. کشاورزی مبتنی بر کار - اگر درست انجام شود - عموماً " محصول بیشتری به نسبت قطعه زمین در مقایسه با کشاورزی فوق مکانیزه می‌دهد" این بدان خاطر است که کارگران کشاورزی می‌توانند کار بیشتر و طولانی‌تری در هر جریب ارائه کرده و ترکیبی از اقسام محصولات کشاورزی، از غلات و سبزیجات گرفته تا گیاهان مورد نیاز دام چون یونجه و شیدر بدست آورند. استفاده از این روش می‌تواند میزان محصول داده شده از زمین را دو برابر نماید و از سوی دیگر ریسک یا خطر پذیری کشاورزان را کاهش دهد. به یک محصول تقلیل دهد.



در بیشتر کشورهای گرسنه در حال حاضر محصولاتتی مورد نیاز است که به آب کمتر و کود و نگهداری هزینه‌زای کمتری احتیاج است. "انقلاب سبز" یا همه تلاش‌هایش و اندک اضافه محصول، فقط توانسته است بصورت موقت امیدی در دل‌های گرسنه ایجاد نماید. این انقلاب می‌تواند سکوی پرتابی برای مبارزه اصولی با گرسنگی بین-المللی باشد و تجربه‌ای گرانبها که اشتباهات گذشته را دوباره و چندباره تکرار نکنیم.

آنچه که اغلب در کشورهای در حال توسعه و فقیر اتفاق افتاده و می‌افتد این است که با استفاده از بذره‌های پیوندی (HYBRID)، تولیدگندم یا برنج یا ذرت را چند برابر کرده و زمینهای زیادی را جهت افزایش تولید و درآمد بیزیر کشت برند در مقابل زمینهای کمتری را به کشت سبزیجات و دانه‌هایی چون عدس، نخود، لوبیا و غیره که تنها منبع پروتئین برای بسیاری از جوامع فقیر است اختصاص دهند. استفاده از بذره‌های پیوندی پر محصول در بیشتر کشورها تلف کردن پول، وقت و زحمت است سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (FAO) تخمین زده است که حدوداً زمینهای کشت در کشورهای در حال توسعه مناسب استفاده از بذره‌های پیوندی اصلاح شده پر محصول و شرایط پرورش پر هزینه کوددهی، سمپاشی و آبرسانی و تکنیک‌های جانبی آنها نمی‌باشند. چهارپنجم ($\frac{4}{5}$) از مزارع در